

## شیوه‌های برگردان مجاز مفرد مرسل سوره یوسف در چند ترجمه از قرآن

زهرا محمدی\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۷

سیمین ولوی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۰

### چکیده

به دلیل گستردگی بکارگیری مجاز در قرآن کریم توجه به آن برای درک حقایق قرآنی ضروری است. در این مقاله روش‌های ترجمه قرآن و مفهوم و اقسام مجاز، مورد بررسی قرار گرفته و آنگاه با روش استقرائی-استنتاجی، مجازهای مفرد مرسل سوره یوسف جهت تبیین شیوه ترجمه آن در ترجمه‌های منتخب کهن (طبری، سور آبادی، میبیدی، ابوالفتوح رازی) مورد بررسی قرار گرفته است. حاصل این پژوهش مشخص می‌کند مترجمان مورد بحث روش یکسانی در ترجمه مجاز مفرد مرسل نداشته‌اند، در برخی موارد مبدأ-محور و گاه مقصد-محور بوده‌اند. مترجمان ترجمه طبری بیش‌ترین ترجمه تحت اللفظی را داشته‌اند؛ سورآبادی بیش‌ترین ترجمه محتوایی را ارائه نموده است. میبیدی و ابوالفتوح رازی به یک نسبت به ترجمه تحت اللفظی، ترجمه محتوایی و تفسیری پرداخته‌اند. در ترجمه مجاز مفرد مرسل نمی‌توان اسلوب مشخصی را ارائه داد بلکه از روش‌های مختلف ترجمه می‌توان استفاده نمود.

**کلیدواژگان:** ترجمه قرآن، مجاز مفرد مرسل، ترجمه طبری، سورآبادی، میبیدی، ابوالفتوح رازی.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

Zahra\_mohammady48@yahoo.com

dr.simin.valavi@gmail.com

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

نویسنده مسئول: زهرا محمدی

## مقدمه

قرآن کریم حبل المتینی است که سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین می‌کند. بدیهی است که شناخت کلام آسمانی خداوند، بدون آشنایی با فنون بلاغت ناممکن است و به عبارت دیگر آن ویژگی که بیش از همه قرآن کریم را منحصر به فرد و بی‌نظیر ساخته است و آن را به معجزه ای بدل کرده است، فصاحت الفاظ و بلاغت معانی و بی‌نظیر بودن سبک بیان و قدرت تأثیر آن است و در این راستا شناخت مجاز و اقسام آن در باب علم بیان یکی از کلیدهای فهم این کتاب هدایتگر است چراکه بدون شناخت آن برداشتهای نادرستی از آیات قرآن به وجود می‌آید.

این پژوهش در نظر دارد تا پس از تبیینی گذرا از روش‌های ترجمه قرآن، مفهوم و اقسام مجاز به علت گستردگی اقسام مجاز در قرآن کریم، مجاز مفرد مرسل سوره یوسف را بررسی نموده و شیوه ترجمه آن را در ترجمه‌های منتخب کهن، ترجمه طبری، سوراآبادی، میبیدی و ابوالفتوح رازی که هر یک از زمان خود تا کنون دارای اهمیت بوده و منبع مفسران و مترجمان بسیاری بوده است را مورد بررسی قرار دهد. هدف این مقاله پاسخ به این سؤالات اساسی است:

۱- شیوه ترجمه مجاز مفرد مرسل در ترجمه‌های کهن قرآنی منتخب چگونه بوده است؟

۲- کدامیک از مترجمان کهن مورد بحث، اسلوب مشخصی را در ترجمه مجاز مفرد مرسل به کار برده‌اند؟

۳- آیا می‌توان اسلوب مشخصی را در ترجمه مجاز مفرد مرسل ارائه داد؟

این مقاله در نظر دارد تا بر اساس فرضیاتی به پاسخ پرسش‌های فوق بدین ترتیب دست یابد:

۱- مترجمان مورد بحث در ترجمه مجاز مفرد مرسل بیش‌تر به ترجمه تحت اللفظی و بیان معادل صوری واژه‌ها توجه نموده‌اند.

۲- مترجمان مذکور اسلوب مشخص و واحدی در ترجمه مجاز مفرد مرسل

نداشته‌اند.

۳- برای ترجمه مجاز مفرد مرسل می‌توان اسلوب مشخصی را ارائه داد.

### پیشینه پژوهش

در مورد مجاز و اقسام آن مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی تألیف شده است اما مقاله‌ای که در آن به بررسی شیوه ترجمه مجاز مرسل در ترجمه‌های کهن قرآنی پرداخته شده باشد تا کنون مشاهده نشده است؛ و اما مقاله‌های مرتبط: مقاله «نگاهی به ترجمه مجاز مرسل در قرآن کریم با بررسی ترجمه‌های آیتی، الهی قمش‌های، فولادوند و خرمشاهی» از عباس اقبالی و مریم رحیمی (۱۳۹۳) که به بررسی شواهدی از مجاز مرسل در ده جزء اول قرآن در ترجمه‌های معاصر پرداخته‌اند و در آن اشاره‌ای به ترجمه مجاز در ترجمه‌های کهن قرآن نشده است.

مقاله «شیوه ترجمه مجاز مرسل در ترجمه‌های معاصر قرآن با تکیه بر ترجمه‌های مکارم، فولادوند، الهی قمش‌های و معزی» از مریم حسنی (۱۳۹۴) که مواردی از مجاز مرسل در ده جزء آخر قرآن را در ترجمه‌های معاصر بررسی کرده است. اما مقاله حاضر ضمن بررسی مجاز مفرد مرسل در سوره یوسف (ع) از جزء دوازدهم و سیزدهم قرآن کریم، شیوه ترجمه آن را در ترجمه‌های کهن قرآن کریم (ترجمه طبری، سور آبادی، میبیدی و ابوالفتوح رازی) که تا کنون مورد پژوهش قرار نگرفته، بررسی نموده است.

### روش پژوهش

در این پژوهش پس از تبیینی گذرا درباره روش‌های ترجمه قرآن و مجاز و اقسام آن بر اساس روش استقرائی - استنتاجی، با توجه به فرصت این مقاله مجازهای مفرد مرسل سوره یوسف (ع) مورد بررسی قرار گرفته و آنگاه با تکیه بر ترجمه‌های منتخب کهن قرآن کریم، شیوه ترجمه آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. در تحلیل یافته‌های پژوهش از سه روش ترجمه تحت اللفظی، محتوایی و نیز تفسیری که مورد اتفاق نظر نظریه پردازان ترجمه بوده استفاده شده است.

### روش‌های ترجمه قرآن

ترجمه قرآن در طی قرون متمادی به روش‌های مختلفی ارائه شده است و صاحب‌نظران در بررسی روش‌های ترجمه با توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرآیند

ترجمه مانند گزینش و چینش واژه‌ها و جمله‌ها و هدف ترجمه که وفاداری به زبان مبدأ و یا مقصد است، اسامی خاصی بر آن نهاده‌اند. از متداول‌ترین تقسیم بندی روش‌های ترجمه قرآن عبارت‌اند از:

۱. **ترجمه تحت اللفظی (صوری):** در آن ساختمان دستوری زبان مبدأ به نزدیک‌ترین معادلش در زبان مقصد برگردانده می‌شود (نیومارک، ۱۹۸۱م: ۴۸). این نوع ترجمه به صورت کلمه به کلمه و یا تحت اللفظی است و مترجم سعی می‌کند معنی واژه‌های قرآنی را در زیر کلمات به طور جدا قرار دهد اما همواره یک پیوند ابتدایی میان کلمات برقرار کند. همچون ترجمه‌های تفسیر طبری، ابوالفتوح رازی، دهلوی و ... این نوع ترجمه بسیار دشوار است زیرا یافتن کلمات همانند با همان خصوصیات در دو زبان مبدأ و مقصد کار آسانی نیست و در بیش‌تر موارد ترجمه‌هایی این چنین نمی‌تواند کاملاً اصل معنا را افاده کنند. به علاوه ترجمه تحت اللفظی در انتقال زیبایی سخن به خواننده نارسا می‌باشد (بی آزار، ۱۳۷۶ش: ۲۴۲-۲۴۱).

۲. **ترجمه محتوایی:** هدف اساسی در این نوع ترجمه، انتقال محتوا و پیام متن مبدأ و نیز روان بودن و عامه فهم بودن متن مقصد می‌باشد (نیومارک: همانجا). به عبارت دیگر آنچه در این نوع شیوه ترجمه اهمیت دارد پیام و محتوای متن مبدأ و ساختارهای زبان مقصد است (معرفت، ۱۳۸۹ش: ۱۱۵). ساختار خاص زبان مبدأ در این روش به ندرت می‌تواند در زبان مقصد نفوذ یابد و توانایی ترجمه انواع اصطلاحات، لغات، تعبیرات و کنایات در این روش وجود دارد (قلی زاده، ۱۳۸۴ش: ۵۲).

۳. **ترجمه تفسیری:** تعارف مختلفی از ترجمه تفسیری شده است اما آنچه مورد بحث این مقاله است به این معنا است که مترجم برای بازسازی فضای آیه در زبان مقصد و انتقال بهتر مفاهیم، توضیحاتی را در لابه‌لای ترجمه خویش می‌آورد. ترجمه متون کهن و کتب مقدس، به ویژه قرآن مجید، دارای زمینه‌های خاص عصر خود از نظر لغوی، تاریخی، جغرافیایی، قومی و الهی و معنوی است و لغات و کلمات خاص عصر ما، با آن همه دگرگونی و فاصله زمانی نمی‌تواند به تنهایی جایگزین متن اصلی گردد و به طور تحت اللفظی وافی به مقصد باشد (جواهری، ۱۳۸۴ش: ۱۳۶).

## مجاز و اقسام آن

مجاز در اصل بر وزن مَفْعَل (مجوز) است و از "جَازَ الشَّيْءُ يَجُوزُهُ" گرفته شده است (جرجانی، بی تا: ۴۰۸). منظور از مجاز کلمه‌ای است که در غیر موضوع له خود به کار رود در قیاس با حقیقت آن کلمه، با قرینه‌ای که مانع از اراده معنای حقیقی آن لفظ شود (سکاکی، بی تا: ۱۵۳). از مشهورترین تقسیمات مجاز که در علم بیان از آن بحث می‌شود؛ مجاز لغوی و عقلی است. مجاز عقلی: اسناد فعل یا شبه فعل به فاعل غیر حقیقی خود را گویند و این نوع مجاز در واقع در کلام جریان دارد (جرجانی، بی تا: ۴۰۹). مجاز لغوی: استعمال لفظ در غیر معنای اصلی آن است به خاطر علاقه و مناسبتی که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد و به دو نوع تقسیم می‌شود یک قسم به معنی کلمه و قسم دیگر به حکم کلمه در کلام برمی‌گردد (سکاکی، بی تا: ۱۵۴). این مجاز در واقع در کلمه جریان دارد. مانند "ید" که در معنای نعمت و یا "اسد" که در معنای انسان شجاع به کار می‌رود و این مجاز یا مفرد است یا مرکب و هر یک را می‌توان با توجه به علاقه و مناسبت بین معنای حقیقی و مجازی آن، اگر مشابهت باشد استعاره و اگر علاقه‌ای غیر از مشابهت باشد مثلاً علاقه سببیت و یا مسببیت و یا ... و همراه با قرینه‌ای که مانع از اراده معنای وضعی شود، آن را مجاز مفرد مرسل نامید (تفتازانی، ۱۳۸۷ق: ۵۷۱).

## یافته‌های پژوهش

طی بررسی‌های به‌عمل‌آمده از سوره یوسف (ع) تقریباً شش مورد مجاز مفرد مرسل با علاقه‌های اشتقاقی، حذف، مجاورت، مایکون، محلیه و کلیه در این سوره وجود دارد که ترجمه‌های آن‌ها در چهار ترجمه کهن قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است و به هر یک از علاقه‌ها نیز در ضمن تحلیل آیات اشاره شده است.

۱. ﴿وَجَاؤُا عَلٰی قَمِيصِهٖ بِدَمٍ كٰذِبٍ...﴾ (یوسف/ ۱۸)

«کَذِب»: دروغ، و بر خلاف صِدْق است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱: ۷۰۴).

برخی از بزرگان تفسیر و لغت گفته‌اند «کذب» در این آیه شریفه «ذی کذب» است و حمل مصدر «کذب» بر اسم جنس «دم» از باب این است که لفظ «ذی» در تقدیر

است (نحاس، ۱۴۲۱ق، ۲: ۱۵۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۳: ۱۵۸) و نحاس آن را مجاز مرسل با علاقه حذف ذکر کرده است. و آن را مانند «واسأل القرية» آیه ۸۲ سوره یوسف می‌داند (نحاس، همانجا)؛ برخی دیگر گفته‌اند «کذب» یعنی «مکذوب» یا «مکذوب فیه» و وصف «دم» با مصدر برای مبالغه است و مصدر به معنای اسم مفعول «مکذوب» است و واژه «دم» با «کذب» وصف شده تا اغراق آمیز بودن خون آلود کردن پیراهن حضرت یوسف(ع) را نشان دهد. تا جایی که گویا «دم» خود «کذب» و یا به عبارتی عین کذب است (جصاص، ۱۴۰۵ق، ۴: ۳۸۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۵۱؛ ابن عاشور، بی تا، ۱۲: ۳۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ۱۲: ۲۲۰). برخی دیگر همچون علامه طباطبایی گفته‌اند «کذب» در این آیه به جهت مبالغه، اسم فاعل «کاذب» است و در نتیجه معنای آن چنین می‌شود: «به خونی کاذب که کذبش آشکار بود» و «دم» را نکره آورده تا نشان دهد دلالت آن بر ادعای ایشان دلالتی ضعیف است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱: ۱۰۳). گنابادی علاوه بر ذکر آراء همه مفسران از این آیه اضافه می‌کند که ممکن است «کذب» به جهت مبالغه، اسم مبالغه «کذاب» باشد (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ۲: ۳۵۱). با توجه به نظر اندیشمندان در این آیه مجاز مرسل به علاقه حذف می‌باشد چنانچه گذشت. و یا مجاز مرسل به علاقه اشتقاقی است یعنی ذکر مصدر و اراده اسم مفعول و یا طبق برخی نظرات، اراده اسم فاعل و یا مبالغه در این آیه مشهود است. و قرینه مجاز عقلیه است زیرا وصف اسم جنس «دم» به وسیله مصدر «کذب» ممکن نمی‌باشد مگر با توجه به انگیزه‌ای، مجاز در کار باشد که باید آن را تأویل به اسم مشتق (اسم فاعل، اسم مفعول و یا اسم مبالغه) کنیم. انگیزه مجاز با توجه به نظر بزرگان واضح و مبرهن است، توصیف خون (دم) با مصدری که تأویل به «ذی کذب، مکذوب، کاذب، کذاب» می‌شود جهت آن است که نشان دهد خون پیراهن، خلاف آن چیزی است که برادران یوسف اظهار می‌داشتند که گرگ یوسف را خورده و پیراهن را پاره نکرده است. به نظر می‌رسد که خداوند با مصدر کذب خواسته بگوید که خون به شدت دروغین بوده است. چنانچه ما به شخصی که عادل است و جنبه‌های عدل او متجلی است می‌گوییم عین عدل است.

- ترجمه طبری: بیاوردند بر پیراهن او خونین دروغ ...
- سورآبادی: و بیاوردند بر پیراهن یوسف خون به دروغ ساخته و فرابافته ...

- میبیدی: و آمدند خون به دروغ آوردند بر پیراهن او، ...
- ابوالفتوح رازی: آوردند بر پیرهن خونی دروغ، ...

### نقد و بررسی ترجمه‌ها

مترجمان ترجمه طبری واژه «کذب» را به صورت اسم مصدر ترجمه کرده‌اند و ترجمه تحت اللفظی از واژه ارائه داده‌اند. سورآبای با افزودن صفت مفعولی «ساخته و فرا یافته» به ترجمه واژه «کذب» معنای اسم مفعول را در ترجمه خود ارائه داده است و می‌توان گفت مفهوم مجازی واژه مذکور را با استفاده از ترجمه محتوایی بیان کرده است. میبیدی واژه مذکور را «به دروغ آوردند» ترجمه کرده و در تفسیر آیه به بررسی واژه «کذب» پرداخته و آن را مکذوب فیه ترجمه نموده است. ابوالفتوح رازی نیز واژه «کذب» را به صورت اسم مصدر «دروغ» ترجمه کرده است و ترجمه تحت اللفظی از واژه مذکور دارد و لیکن ایشان در تفسیر ذیل آیه گفته است مراد از واژه «کذب» مکذوب فیه است و لفظ مصدر در معنای مفعول به کار رفته است و ایشان نیز با این روش همچون میبیدی ترجمه‌ای تفسیری ارائه داده است.

### ۲. ﴿...وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَكَأً...﴾ (یوسف / ۳۱)

مُتَكَأً: راعب گفته است: «متکاهایی است که بر آن تکیه زنند و به معنی «المُخَدَّة» یعنی بالش، پشتی است. و در این آیه شریفه به معنی ترنج است و یا گفته شده به معنی غذاهای خوراکی است» (راعب، ۱۴۱۲ ق: ۱۶۷).

برخی از مفسران و علماء بلاغت گفته‌اند مراد از «متکأ» در این آیه پشتی و یا بالشی است که بر آن تکیه دهند یا مجلس طعام است و یا غذایی است که به میهمان داده می‌شود در حالی که بر پشتی تکیه زده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۶: ۲۶۴-۲۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ۲: ۱۸۷) و گفته شده «متکأ» به معنی طعامی است که قطعه قطعه می‌شود، زیرا معمولاً کسی که چیزی را قطع می‌کند، به وسیله کارد بر آن چیز تکیه می‌کند (طبرسی: همانجا). مظهری به نقل از ابن عباس و مجاهد آورده است: «هر چیزی که با چاقو تکه تکه شود آن نزد عرب متکأ است» (مظهری، ۱۴۱۲ ق، ۵: ۱۸۵). برخی بر این اساس آن را اترج (ترنج) ذکر کرده‌اند (ابوعبیده، ۱۳۸۱ ق، ۱: ۳۰۸؛ حقی بروسوی، بی تا، ۴: ۲۴۶) و گفته‌اند مراد از آن طعام است زیرا اهل طعام هر جا بنشینند بر پشتی‌ها تکیه

زنند(ألوسی، ۱۴۱۵ق، ۶: ۴۱۸؛ مظهری: همانجا). *ألوسی* و *صافی* بدون ذکر علاقه «متکاً» را مجاز ذکر کرده‌اند(ألوسی: همانجا؛ صافی، ۱۴۱۸ق، ۱۲: ۴۱۹) و درویش آن را مجاز مرسل با علاقه مجاورت دانسته است(درویش، ۱۴۱۵ق، ۴: ۴۷۹). ذکر «متکاً» و اراده آنچه در مجاورت و نزدیک به آن است و آن مجلس طعامی است که مهمانان آن در حال خوردن طعام هستند و یا ترنجی را قطعه قطعه می‌کنند. و قرینه آن حالیه است. زیرا برای فراهم کردن مجلس بزم فقط احتیاج به پشتی نیست بلکه بساط پذیرایی باید کاملاً مهیا باشد و آن مجلسی با اطعمه لذیذ و اشربه گوارا است.

- ترجمه طبری: ... و بر ساخت ایشان را تکیه گاهی، ...
- سورآبادی: ... و ساخت ایشان را تکیه گاهی، گفته‌اند مجلسی و گفته‌اند مهمانی، ...
- میبیدی: ... و ایشان را جای به ناز نشستن ساخت، ...
- ابوالفتوح رازی: ... و بساخت برای ایشان تکیه گاهی ...

### نقد و بررسی ترجمه‌ها

مترجمان ترجمه طبری و میبیدی و *ابوالفتوح رازی* هر یک با ترجمه واژه «متکاً» به ترتیب به «تکیه گاهی، جای به ناز نشستن، تکیه گاهی» مبدأ محور بوده و ترجمه تحت اللفظی از واژه مذکور داشته‌اند و معادل صوری واژه را بیان کرده‌اند. اما *سورآبادی* با دست زدن به ترجمه‌ای محتوایی همه معانی «متکاً» را از دیدگاه مفسران و علماء بلاغت ذکر کرده است. او با ترجمه «متکاً» به «تکیه گاهی» به ترجمه تحت اللفظی و سپس با بیان اینکه «گفته‌اند مجلسی و گفته‌اند مهمانی» مفهوم مجازی واژه را بیان می‌کند.

۳. ﴿...إِنَّ أَرَأَيْتَ أَصْرًا خَمْرًا...﴾ (یوسف/۳۶)

"خمر" در اصل به معنای پوشاندن و وسیله‌ای است که با آن چیزی را می‌پوشانند و از این جهت شراب را "خمر" گفته‌اند که بر عقل تأثیر گذاشته و آن را از بین می‌برد(راغب، ۱۴۱۲ق: ۲۹۸).

از آن روی از انگور به شراب تعبیر شده است که اصل شراب به انگور برمی‌گردد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۶۸). در این آیه شریفه، منظور از خمر همان انگور است زیرا خمر فشرده نمی‌شود بلکه انگور فشرده می‌شود. *زجاج* و *ابن انباری* گفته‌اند: رسم عرب این است که در جایی که معنی معلوم باشد و اشتباهی رخ ندهد نام چیزی را که بعداً از



چیز دیگری تولید می‌شود روی آن چیز می‌گذارند. مثلاً می‌گویند: «فلانی آجر می‌پزد یا شیره می‌جوشاند» در صورتی که در مثال اول خشت می‌پزد و در مثال دوم آب انگور می‌جوشاند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۵: ۳۵۶). بنابراین در این آیه، جمله «أعصر خمرأً» به معنای این است که انگور را می‌فشردم تا خمر درست کنم (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ۱۱: ۱۷۱). پس نامیدن انگور به شراب به اعتبار این است که سرانجام شراب می‌شود و این مجاز مرسل به اعتبار ما یکون است (تفتازانی، ۱۳۸۷ ق: ۵۷۵؛ درویش، ۱۴۱۵ ق، ۴: ۴۹۶؛ صافی، ۱۴۱۸ ق، ۱۲: ۴۲۷).

- ترجمه طبری: ... من دیدم بخواب که بیفشاردمی می ...
- سورآبادی: ... من دوش به خواب دیدم که من عصیر می‌کرد می انگور را ...
- میبیدی: ... من خویشتن را در خواب دیدم که شیره انگور می‌گرفتم ...
- ابوالفتوح رازی: ... من دیدمی خود را که می‌فشاردمی می...

#### نقد و بررسی ترجمه‌ها

مترجمان ترجمه طبری و میبیدی و ابوالفتوح رازی هر یک به ترتیب با ترجمه "خمر" به "می"، "شیره انگور"، "می" ترجمه تحت اللفظی از واژه مجاز موجود در آیه داشته و به بیان معادل صوری واژه پرداخته‌اند. اما سورآبادی ترجمه محتوایی از آیه و واژه مورد بحث داشته و "خمر" را به "انگور" ترجمه نموده و به بیان مفهوم مجازی واژه پرداخته است.

۴. ﴿...أَذِّنْ مُؤَذِّنٌ أَيُّهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ﴾ (یوسف / ۷۰)

«العیر» به معنای شتری است که بر آن بار نهند و از آنجا که در تردد است یعنی می‌رود و می‌آید (تعیر) به شتر العیر گفته شده است و سپس بر هر کاروانی اطلاق شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۴۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ۲: ۲۰۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۷: ۲۳؛ ابن عاشور، بی تا، ۱۲: ۹۷). ابن عاشور در ادامه تفسیر آیه گفته است که «أیتها» مؤنث آورده شده است.

زیرا از «العیر» تأویل به «جماعة» می‌شود زیرا سواران مهم‌تر از شتران هستند (ابن عاشور: همانجا) و برخی گفته‌اند مراد از شترانی که غذا یا بار حمل می‌کنند شترداران هستند (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ۳: ۱۷۱؛ حقی بروسوی، بی تا، ۴: ۲۹۸). قرطبی گفته است

هر چیزی که بر آن سوار شوند مانند الاغ، خر و شتر «العیر» است (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ۱۰: ۲۳۰) و در این آیه شریفه از باب مجاز «العیر»، «اصحاب العیر» است و آن مجاز مرسل با علاقه مجاوره است (صافی، ۱۴۱۸ ق، ۱۳: ۳۲؛ درویش، ۱۴۱۵ ق، ۵: ۲۵). ذکر «العیر» (شتر) و اراده «اصحاب العیر» (شترداران) به سبب مجاورت و نزدیکی آنها با شتران در این آیه است و قرینه لفظیه مانع «انکم لسارقون» است زیرا محال است که شتران سارق باشند و جهت سرقت مورد خطاب قرار گیرند.

● ترجمه طبری: ... پس منادی کرد منادی کننده‌ای که: ای کاروانیان به درستی که شما دزدان اید.

● سورآبادی: ... پس آواز داد آوازدهنده‌ای که ای کاروانیان شما دزدان اید.

● میبیدی: ... آنکه آوازدهنده‌ای بر در شهر آواز داد [چون کاروان در رفت ایستاد]، ای کاروانیان بدارید که در میان شما دزد است.

● ابوالفتوح رازی: ... پس بانگ کرد کننده‌ای که ای کاروان شما دزدان اید.

#### نقد و بررسی ترجمه‌ها

مترجمان ترجمه طبری و سورآبادی و میبیدی و ابوالفتوح رازی هر یک با ترجمه‌ای محتوایی معادل مجازی واژه را با ترجمه «العیر» به «کاروانیان، کاروان» ذکر کرده‌اند. به نظر می‌رسد مترجمان منتخب کهن هر یک با توجه به قرینه لفظیه صارفه «انکم لسارقون» مفهوم واژه «العیر» را به خوبی درک کرده و آن را در ترجمه خود به مخاطب مقصد انتقال داده‌اند.

۵. ﴿وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا...﴾ (یوسف/۸۲)

"الْقَرْيَةُ": روستا، اسم است برای محلی که مردم در آن اجتماع می‌کنند (راغب، ۱۴۱۲ ق: ۶۶۹). در این آیه شریفه مراد از "القرية"، "اهل القرية" است (زجاج، ۱۴۲۰ ق، ۷۱: ۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ۲: ۱۷۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۴۹۶). منظور شهر مصر است و آن مجاز مرسل با علاقه محلیه است. ذکر محل "قرية" یعنی مصر و اراده اهل آنجا شده است (درویش، ۱۴۱۵ ق، ۵: ۳۷). ابن قتیبه گفته است در این آیه حذف صورت گرفته است و قائل به حذف مضاف است و منظور از القرية را اهل القرية ذکر کرده است (ابن قتیبه، بی تا: ۱۳۳؛ ابن عاشور، بی تا، ۶: ۲۱۸).

- ترجمه طبری: و بپرس از آن دهی را آنکه بودیم اندران ...
- سور آبادی: و بپرس آن دیه را که ما در آن بودیم ...
- میبدی: و از آن شهر پرس که ما در آن بودیم ...
- ابوالفتوح رازی: بپرس از این شهر که ما در آنجا بودیم ...

### نقد و بررسی ترجمه‌ها

مترجمان مورد بحث همگی "قریه" را به صورت تحت اللفظی و معادل صوری ترجمه کرده‌اند. گویا دانسته‌اند که زیبایی مجاز در این آیه باید در ترجمه آن حفظ شود زیرا بدیهی است آنچه که مورد سؤال قرار می‌گیرد اهل قریه هستند نه قریه البته سور آبادی در تفسیر ذیل آیه سؤال از قریه را اهل قریه ذکر می‌کند لذا به نظر می‌رسد حفظ ساختار مجازی در ترجمه آن‌ها به خوبی گواه بر فهمیدن مفهوم مجازی واژه است.

۶. ﴿... قَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِينَ﴾ (یوسف/ ۹۹)

"مصر": هر شهر محدود را مصر گویند (راغب، ۱۴۱۲ ق: ۷۶۹). «مصر» حد و مرز میان دو چیز یا دو قطعه زمین است. شهر را از آن جهت مصر گویند که محدود است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۵: ۱۷۶).

درباره آیه شریفه «فلما دخلوا علی یوسف...» آمده است که آن منطقه‌ای که ورود اولیه در آن صورت گرفته است خارج شهر در «جاسان» بوده است (قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ۶: ۲۲۰) و بعد از آن هنگامی که یعقوب و فرزندان او از سوی یوسف خطاب می‌شوند «وارد شهر شوید» وارد دار الملک (مقر حکمرانی) یوسف می‌شوند (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ ق: ۵۲). در این آیه مجاز مرسل با علاقه کلیه وجود دارد زیرا مراد از «مصر»، قسمتی از مصر است (صافی، ۱۴۱۸ ق، ۱۳: ۷۰) به قرینه امتناعیه، زیرا محال است که برادران و پدر و مادر (خاله) حضرت یوسف در آن لحظه وارد تمام شهر مصر شده باشند.

- ترجمه طبری: ... گفت: اندر شوید به مصر اندر اگر خواهد خدای ایمنان.
- سورآبادی: ... گفت در شوید در مصر گر خدای خواهد آمانان.
- میبدی: ... گفت در آئید در مصر ایمن ان شاءالله.
- ابوالفتوح رازی: ... گفت در شوی در مصر اگر خواهد خدای ایمن.

## نقد و بررسی ترجمه‌ها

اگرچه همه مترجمان، ترجمه تحت اللفظی از واژه مصر داشته و معادل صوری آن را بیان کرده‌اند اما به نظر می‌رسد در این آیه شریفه با توجه به بلاغت عربی مجاز مرسل با علاقه کلیه وجود دارد ذکر کل (مصر) شده است و قسمتی از مصر به طور مثال (دار الملک) یا بخش خاصی از شهر اراده شده است. همان‌گونه که در کتب بلاغت به مثال‌هایی همچون «شَرِبْتُ ماءَ النِّيلِ» و «سَبَحْتُ فِي الْبَحْرِ» اشاره شده که به عقیده علماء بلاغت چون نوشیدن بخشی از آب نیل و شنا در بخشی از دریا مراد است آن‌ها را مجاز مرسل به علاقه کلیه می‌دانند. این‌گونه مثال‌ها در ادب پارسی فراوان است و براحتی شنونده مقصود گوینده را درمی‌یابد و نمونه‌های آن را در صحبت‌های روزمره می‌بینیم و می‌شنویم به طور مثال اگر کسی برای انجام کاری به قسمتی از شهر مراجعه کند می‌گویند او به آن شهر رفته است حال آنکه او به قسمتی از شهر رفته است و از آنجا که این موارد در زبان فارسی کهن و معاصر به وفور استعمال می‌شود. به نظر می‌رسد در این نوع مجاز برگردانی خارج از شیوه مترجمان به زبان فارسی وجود ندارد.

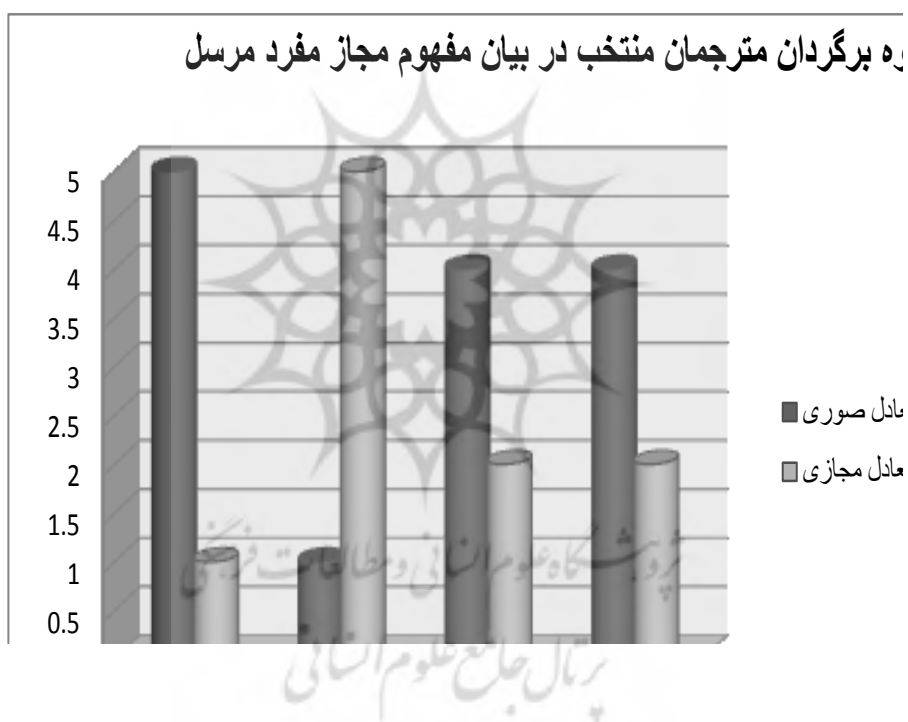
## نتیجه بحث

- ۱- مترجمان مورد بحث شیوه یکسانی در ترجمه مجاز مفرد مرسل نداشته‌اند، گاه مبدأ- محور بوده و به ترجمه تحت اللفظی پرداخته‌اند و گاه مقصد- محور بوده و ترجمه محتوایی و گاه تفسیری ارائه داده‌اند.
- ۲- مترجمان مذکور اسلوب مشخصی را نداشته‌اند. بیش‌ترین ترجمه تحت اللفظی از آن مترجمان ترجمه طبری و بیش‌ترین ترجمه محتوایی از آن سورآبادی است. میبیدی و *ابوالفتوح رازی* نیز به یک نسبت به ترجمه تحت اللفظی و محتوایی و تفسیری دست زده‌اند.
- ۳- برای ترجمه مجاز مرسل از یک شیوه ترجمه نمی‌توان استفاده کرد بلکه برای بیان مفهوم مجازی واژه از ترجمه محتوایی و نیز تفسیری می‌توان استفاده کرد، و برای حفظ ساختار مجاز در ترجمه و یا هرگاه مفهوم مجاز در نزد مخاطب مقصد شناخته شده باشد می‌توان از ترجمه تحت اللفظی و بیان معادل صوری بهره جست.

جدول تحلیل شیوه ترجمه مترجمان منتخب کهن در ترجمه مجاز مفرد مرسل

شیوه‌های ترجمه مترجمان			ترجمه‌های منتخب کهن
ترجمه تفسیری	ترجمه محتوایی	ترجمه تحت اللفظی	
-	۱	۵	ترجمه طبری
۱	۴	۱	ترجمه سور آبادی
۱	۱	۴	ترجمه میدی
۱	۱	۴	ترجمه ابوالفتوح رازی

به برگردان مترجمان منتخب در بیان مفهوم مجاز مفرد مرسل



## کتابنامه

### قرآن کریم.

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. بی تا، **تأویل مشکل القرآن**، قاهره: بی نا.
- زجاج، ابراهیم بن سری بن سهل. ١٤٢٠ق، **اعراب القرآن**، قاهره- بیروت: دار الکتب المصری ودار الکتب اللبانی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. بی تا، **التحریر و التنویر**، ط ١، بیروت: مؤسسة التاریخ.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ١٤١٤ق، **لسان العرب المحیط**، بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ١٤٠٨ق، **روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، چ ١، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابوعبیده، معمر بن مثنی. ١٣٨١ق، **مجاز القرآن**، تحقیق محمد فؤاد سرگین، ط ١، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ألوسی، سید محمود. ١٤١٥ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق علی عبدالباری عطیه، ط ١، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم. ١٣٧٦ش، **قرآن ناطق**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. ١٤١٨ق، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**، ط ١، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تفتازانی، سعد الدین. ١٣٨٧ق، **المطول و معه حاشیه العلامة السید الشریف الجرجانی**، ط ١، الناشر: دار الکوخ للطبعه.
- تفتازانی، سعد الدین. ١٣٨٠ش، **مختصر المعانی**، ج ٧، قم: انتشارات دار الفکر.
- جرجانی، عبدالقاهر. بی تا، **أسرار البلاغه**، تحقیق محمود محمد شاکر، مصر- قاهره: مکتبه المدنی القاهره- دار المدنی بالجده.
- جصاص، احمد بن علی. ١٤٠٥ق. **احکام القرآن**، تحقیق محمدصادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حقی بروسوی، اسماعیل. بی تا، **تفسیر روح البیان**، ط ١، بیروت: دار الفکر.
- درویش، محی الدین. ١٤١٥ق، **اعراب القرآن و بیانہ**، ط ٤، سوریه: دار الارشاد.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ١٤١٢ق، **مفردات ألفاظ القرآن**، ط ١، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى. ١٤١٨ق، **التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج**، ط ٢، بیروت- دمشق: دار الفکر المعاصر.

- زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، ط ۳، بیروت: دار الكتاب العربی.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. ۱۴۱۹ق، **ارشاد الأذهان الى تفسير القرآن**، ط ۱، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سكاكى، أبى يعقوب يوسف أبى بكر محمد على. بی تا، **مفتاح العلوم**، بیروت- لبنان: دار الكتب العلمية.
- سورآبادى، ابو بكر عتيق بن محمد. ۱۳۸۰ش، **تفسير سورآبادى**، تحقيق على اكبر سعيدى سيرجانى، تهران: فرهنگ نشر نو.
- صافى، محمود بن عبد الرحيم. ۱۴۱۸ق، **الجدول فى اعراب القرآن**، ط ۴، دمشق: دار الرشيد، بيروت: مؤسسة الإيمان.
- طباطبايى، سيد محمد حسين. ۱۴۱۷ق، **الميزان فى تفسير القرآن**، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- طبرسى، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسى، فضل بن حسن. ۱۳۷۷ق، **تفسير جوامع الجامع**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علميه قم.
- قاسمى، محمد جمال الدين. ۱۴۱۸ق، **محاسن التأويل**، تحقيق محمد باسل عيون السود، ط ۱، بيروت: دار الكتب العلمية.
- قرطبى، محمد بن احمد. ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحكام القرآن**، ج ۱، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- گنابادى، سلطان محمد. ۱۴۰۸ق، **تفسير بيان السعادة فى مقامات العبادة**، ط ۲، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
- مترجمان. ۱۳۵۶ش، **ترجمه تفسير طبرى**، تحقيق حبيب يغمائى، تهران: انتشارات توس.
- مظهرى، محمد ثناء الله. ۱۴۱۲ق، **التفسير المظهرى**، ط ۱، پاکستان: مكتبة رشدية.
- معرفت، محمد هادى. ۱۳۸۹ش، **تاريخ قرآن**، ج ۱۲، تهران: سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت).
- ميبدي، احمد بن سعد رشيد الدين. ۱۳۷۱ش، **كشف الأسرار وعدة الأبرار**، تحقيق على اصغر حكمت، تهران: انتشارات امير كبير.
- نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد. ۱۴۲۱ق، **اعراب القرآن**، بيروت: دار الكتب العلمية.

### كتب لاتين

New Mark, Piter. 1981. **Atext Translation**. New York: prenticehall.

## مقالات

- اقبال، عباس و رحیمی، زینب. ۱۳۹۳ش، «نگاهی به ترجمه مجاز مرسل در قرآن کریم»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال سوم، شماره ۷، صص ۱۳۰-۱۰۵.
- جواهری، سید محمد حسن. ۱۳۸۴ش، «پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۲-۴۳، صص ۱۵۹-۱۳۶.
- حسینی، مریم. ۱۳۹۴ش، «شیوه ترجمه مجاز مرسل در ترجمه‌های معاصر قرآن با تکیه بر ترجمه‌های مکارم، فولادوند، الهی قمشه‌ای و معزی»، مطالعات ترجمه، شماره ۵۲، صص ۳۸-۱۹.
- قلی زاده، حیدر. ۱۳۸۴ش، «مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم»، مجله معارف، شماره ۲۸، صص ۵۲-۴۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی